

## بررسی و تحلیل مخزن الاسرار

دکتر ابوالقاسم رادفر

ما که نظر بر سخن افکنده‌ایم      مرده‌ اویم و بدو زنده‌ایم  
تا سخنست از سخن آوازه‌ باد      نام نظامی به سخن تازه‌ باد  
سخن پردازِ بزرگ قرن ششم، حکیم جمال‌الدین الیاس بن یوسف نظامی، بدون شک یکی از استادان بی‌مانندی است که شیوه‌ داستان‌سرایی او در ادب فارسی همواره گویندگان و اندیشمندان را به دنبال خود کشانده است. آنچه نظامی را صاحب نام و در خور تقلید شاعران پس از خود کرده بیشتر به طرز سخن‌سرایی و اندیشه‌ شاعرانه و قدرت تخیل او برمی‌گردد. اوست که تخیل شاعرانه را در رکاب اندیشه‌ باروشی استادانه در قالب داستانهای عاشقانه، عارفانه و حکیمانه عرضه می‌دارد و نتایج زیبا و پرمحتوایی به دست می‌آورد؛ زیرا سخن برای او از هر چیز مهمتر است و ارزشمندتر. البته نه هر سخنی، بلکه کلام نو و تازه که همراه با ابداع و کاوش در اعماق اندیشه باشد. از این روست که نظامی به عنوان شاعری جستجوگر و نوآور در عرصه ادبیات فارسی شهرت یافته است. شاهد مدعای ما در قدر نهادن

به سخن از دیدگاه نظامی همین دوبیتی است که کلام را بدان آغاز کردیم. گویی شاعر همه چیز را در راز و رمز سخن اندیشیده و عین ذهنیت خود می بیند و حق هم همین است زیرا گفته اند یکی از بارزترین ویژگی‌های شعر اصیل این است که همچون آینه‌ای سیمای شاعر را در خویش بنمایاند و با او رابطه‌ای عمیق ایجاد کند. البته در اینجا ما را سر آن نیست که به ابعاد زندگی و شخصیت و آثار و محیط احوال نظامی بپردازیم بلکه فقط قصد ما، تحلیل مطالب و محتوای مخزن الاسرار - آن هم باختصار - است و بس.

مخزن الاسرار، نخستین گنج از پنج گنج نظامی، شاعر بلند آوازه سده ششم است که در حدود سال ۵۷۰ ه. ق در بحر سریع به نام ملک فخرالدین بهرامشاه سروده شده است. ابیات این مثنوی در نسخه‌های موجود متفاوت است ولی آنچه بیشتر مقرون به صحّت است ۲۲۶۰ بیت است. «از بحث و مطالعه در اشعار مخزن الاسرار که حاوی موضوعات فلسفی و اخلاقی و دینی است چنان برمی آید که توجه شاعر در این مثنوی بیشتر به گوهر تابناک دل است ولی آن دل که نظامی خود معنی می کند... غرض شاعر بزرگوار از سرودن این مثنوی توجه دادن مردم به خودشناسی و خداشناسی و پاکی و پاکیزگی تن و روان از آرایشها و کدورات طبیعی و پیروی از دین و حق و عدالت و پژوهش صفات و اخلاق پسندیده است.»<sup>۱</sup> اما پیش از شروع مطلب اصلی، کتاب مخزن الاسرار، با مقدمه‌ای در ستایش خداوند چنین آغاز می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم علم الکونین کلید در گنج حکیم

فاتحه فکرت و ختم سخن نام خداست بر او ختم کن<sup>۲</sup>

سپس دامن سخن را به مناجات با حضرت باری تعالی می کشاند و زیباترین دلنشینترین سخنان را در دو مناجاتنامه روح بخش و جان نواز خود سر می دهد یکی با سر آغاز:

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاکِ ضعیف، از تو، توانا شده

زیرنشین علمت کاینات ما به تو قائم، چو تو قائم به ذات<sup>۳</sup>

و دیگر به مطلع:

ای به ازل بوده و نابوده ما  
دور جنیبت کش فرمان تست  
وی به ابدزنده و فرسوده ما  
سُفت فلک، غاشیه گردان تست<sup>۵</sup>

سپس به نعت حضرت رسول اکرم (ص) در پنج بخش پرداخته، پاکترین احساسات و علایق درونی خود را به پیشگاه پیامبر بزرگوار ابراز داشته است که جهت تیمن اییاتی چند از آنها را می آوریم:

شمسه نه مسند هفت اختران	ختم رُسل، خاتم پیغمبران
احمد مرسل که خرد خاک اوست	هر دو جهان بسته فتراک اوست
ای تن تو، پاکتر از جان پاک	روح تو پرورده روحی فداک
ای شب گیسوی تو روز نجات	آتش سودای تو آب حیات
عقل شده شیفته روی تو	سلسله شیفتگان، موی تو
چرخ ز طوق کمرت بنده ای	صبح ز خورشید رُخت خنده ای
ما همه جسمیم، بیا جان تو باش	ما همه موریم، سلیمان تو باش
خاک تو خود روضه جان منست	روضه تو جان جهان منست <sup>۶</sup>

البته در ضمن نعتها که در هر کدام به موضوعی نو با تعبیرات دل انگیز پرداخته مسئله معراج نامه را هم فراموش نکرده است و حتی سخن را به بایسته ترین وجه ادا کرده است. مدح و ستایش ملک فخرالدین بهرامشاه - ممدوح شاعر - تعدادی اییات منظومه را به خود اختصاص داده و در پی آن سبب نظم کتاب و ستایش ممدوح خود را در درسی و نه بیت بدین صورت آغاز می کند:

من که سراینده این نوگلم	باغ ترا نغمه سرا بلبلم
در ره عشقت نفسی می زنم	بر سر کویت جرسی می زنم
عاریت کس نپذیرفته ام	آنچه دلم گفت بگو گفته ام
شعبده تازه برانگیختم	هیکلی از قالب نور یختم
مایه درویشی و شاهی درو	مخزن اسرار الهی درو <sup>۷</sup>

جان کلام نظامی همان طور که اشارت رفت ترجیح دادن سخن است که جلوه و

در خشنده‌گی خاصی به خمسه بویژه مخزن الاسرار او بخشیده است و شاعر ادامه سخن را معطوف بدین نکته کرده، خلاصه نظر خود را در این موضوع با عنوان «گفتار اندر فضیلت سخن» با مطلع زیر آغاز می‌کند:

جنبش اول که قلم برگرفت      حرف نخستین ز سخن در گرفت  
 پرده خلوت چو بر انداختند      جلوت اول به سخن ساختند  
 تا بدانجا پیش می‌رود که می‌گوید:

بلبل عرشند سخن‌پروران      باز چه مانند به آن دیگران  
 پرده رازی که سخن‌پرور بست      سایه ای از پرده پیغمبر بست  
 پیش و پسی بست صف کبریا      پس شعرا آمد و پیش انبیا<sup>۱</sup>  
 و در پایان، تخلص نظامی در قالب عبارتی دلنشین چنین آمده است:

تا سخنست از سخن آوازه باد      نام نظامی به سخن تازه باد<sup>۲</sup>  
 «برتری سخن منظوم از مثنوی»؛ «در توصیف شب و شناختن دل»؛ «خلوت اول، در پرورش دل» و «خلوت دوم، در عشرت شبانه» دیگر بخشهای مثنوی مخزن الاسرار را پیش از مقالات بیستگانه که اساس و بنیان کتاب بر آن نهاده شده تشکیل می‌دهد. خمیرمایه هر یک از این مقالات پند و حکمت است آن هم در موضوعی خاص، و نقل داستان به جهت پروراندن آن نکته حکمت‌آمیز و تبیین مطالب مورد بحث شاعر حکیم. البته نظامی نتوانسته در سراسر این بیست مقاله روش واحدی را که اتخاذ کرده کاملاً دنبال کند «زیرا نظامی در اواسط هر مقاله از موضوع خارج می‌شود و سیاق سخن را از دست می‌دهد، و آن حکایت تنها با چند بیت آخر مقاله سازگار است نه با موضوع آن. از این رو نظامی مرد تصویر و تعبیر است، و تمثیل قبایی است که بر بالای سنایی و عطار و مولوی و سعدی راست می‌آید؛ یا شاعر داستانهای بلند است نه حکایتهای کوتاه.»<sup>۳</sup> با وجود این نوگرایی و تازه‌جویی از ویژگیهای شعر نظامی است و بارها به این موضوع اشاره کرده و خود را از مقلد بودن بر حذر داشته است. وجود ترکیبات نوساخته، مضامین بکر، ایجاد تصاویر بدیع، ابداع توصیفات دقیق و دلایز، پرباری اندیشه و سرشاری خیال، به

کارگیری تشبیهات و استعارات متناسب و چشم‌نواز، انتخاب موضوعات نو در زمینه‌های مختلف داستانسرایی، بویژه غنایی و عرفانی، با ساخت و پرداخت زبانی ویژه خود از یک طرف و رعایت موازین اخلاقی عصر و زمان از جانب دیگر و قالب خاصی که شاعر برمی‌گزیند همه دست به دست هم داده و کلی منسجم و یکپارچه از تازگیها و نوآوریها به نام خمسه، خلق کرده است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که در عین مختصات مشترکی که در یکایک آثار وجود دارد هر یک از آنها ویژگیهای خاصی خود را دارد مثلاً پایه شعر نظامی در مخزن الاسرار اندیشه‌های فلسفی و کلامی است که با بهره‌گیری از عنصر خیال قوی و ابزارهای کلامی و بیانی بدن تحرک و پویایی در خور توجهی داده است. نظامی در عین اینکه پدیدآورنده مکتب خاصی در داستانسرایی است که گروه بسیاری را به دنبال خود کشانده است از نظر طرز تلفیق واژه‌ها و ایجاد ترکیبات تازه، شاعری صاحب سبک شناخته می‌شود. به عبارت دیگر زبان شعری نظامی زبانی ویژه خود اوست که با شیوه سخنسرایی دیگر شاعران قبل و بعد او تفاوت کلی دارد؛ زیرا زبانی که به کار می‌گیرد در عین خشن بودن، شکننده هم هست. گاهی از آوازگانی بهره می‌برد که گویی متناسب تخیلات و افکار شاعرانه او نیست بخصوص آنجا که از اصطلاحات علمی گوناگون استفاده می‌کند؛ اما جایی که صرفاً به بیان مضامین شاعرانه می‌پردازد، الفاظ بسیار نرم و شکننده و زبان فصیح و روشن است. البته سهم ترکیبات و کنایات و تشبیهات و استعارات و تعابیر در پرداخت زبان نظامی بی‌تأثیر نیست. شاید بتوان گفت مقداری از ابهامات و گاهی تعقیدات کلام سخنور گنجه معلول زمان، بویژه محیط زندگی شاعر است که از منشأ اصلی زبان دور افتاده و مفاهیم و تعابیر با زبانی دگر بازگو شده است که با سبک سخنسرایان خراسانی متفاوت است. از این روست که یان‌ریپکا و برخی دیگر از محققان شیوه سخن نظامی و دیگر شعرای آذربایجان را سبک آذربایجانی نامیده‌اند. نکته ظریف دیگری که کلام نظامی را متعالی کرده و مورد توجه دیگران قرار داده، تأثیرگذاری است که موجب تلاش ذهنی و شکوفایی اندیشه خوانندگان آثار نظامی شده است. اگرچه

وجود صنایع گوناگون لفظی و معنوی تا حدودی مانع رسیدن به عمق فکر شاعر می‌شود اما جنبه دیگری به شعر او از نظر هنر آفرینی داده است. بیشترین صنایعی که در مخزن الاسرار مورد استفاده نظامی قرار گرفته عبارت‌اند از: جناس، قلب، ازدواج، لف و نشر، اغراق و مبالغه، ایهام، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه. که بسیار بجا و متناسب در پرداخت داستانها و به طور کلی بافت کلام خویش آورده است. نحوه استفاده، طوری استادانه انجام گرفته که برخلاف برخی شاعران به نظامی کمتر اتهام صنعت‌زدگی و متکلف بودن زده می‌شود. یا به عبارت دیگر مختصات بیانی و سبکی شاعر در آینه شعرش کاملاً منعکس است. گویی نظامی عصاره زندگی را در ظرف شعر متأثر از محیط طبیعی و اخلاقی - ادبی زمان خویش ریخته است. چکیده‌گویی را شاید بتوان یکی از مختصات کلام نظامی بویژه در مخزن الاسرار دانست. با بررسی منظومه مخزن الاسرار بخوبی این نکته روشن می‌شود زیرا به کمتر کلمه‌ای می‌توان برخورد که بيمورد استعمال شده باشد. به ابیات زیر توجه کنید:

عمر به خشنودی دلها گذار	تاز تو خشنود بود کردگار
سایه خورشید سواران، طلب	رنج خود و راحت یاران، طلب
دردستانی کن و درماندهی	تات رسانند به فرماندهی
گرم شو از مهر و زکین سرد باش	چون مه و خورشید، جوانمرد باش
هر که بنیکی عمل آغاز کرد	نیکی او روی بد و باز کرد
گنبد گردن‌سده، ز روی قیاس	هست بنیکی و بدی حقشناس
گر به سخن کار می‌شردی	کار نظامی به فلک برشردی

هنگام مطالعه مخزن الاسرار گاهی قدرت خلاقه شاعر هنر آفرین گنجه ما را به حیرت و شگفتی غیر قابل تصویری وامی‌دارد حتی زمانی که با ابهامهای ساخته و پرداخته ذهن وقاد او روبرو می‌شویم این حالت تعجب را نمی‌توانیم از خود دور کنیم هر چند که ابهامات نظامی همگی جنبه هنری ندارد و برخی سبب پیچیدگی سخن و بافت کلام او شده است. جلوه بارز دیگر مخزن الاسرار صیغه شرعی آن است که در

سراسر منظومه خودنمایی می‌کند. این امر تا بدانجا پیش می‌رود که گاهی رنگ تعصب آن هم به شدیدترین وجه ممکن به خود می‌گیرد زیرا نظامی هم در عقیده خویش محکم و استوار است و هم در ابراز مسائل دین خود. همین پافشاری در دین است که شعر نظامی را بر صلابت ساخته و استحکام ویژه‌ای به کلام او داده و از انعطاف و نرمی دور ساخته است. تعهد و مسئولیت جنبه دیگر شعر نظامی است که در سراسر سخن او بخصوص در مخزن الاسرار او موج می‌زند. گاهی احساس می‌شود که نظامی فقط در عرصه تعهد دینی عمل نمی‌کند بلکه بار مسئولیت او بُعد جهانی دارد و خطابش به تمام انسانهاست و از محدوده زمان و مکان فراتر می‌رود:

خیز و بساط فلکی درنورد زانکه وفانیست در این تخته نرد<sup>۱۱</sup>

ایمان به هنر شعری خویش از یک سو و التزامی که به شرع دارد از جانب دیگر، از نظامی شاعری مبلّغ آرمانهای مذهبی و حتی گاهی سیاسی ساخته است. حتی از برخی اشعار او برمی‌آید که فقط به بیان حالت‌های خصوصی و صرف اندیشه‌های فلسفی و عقیدتی خود پرداخته بلکه به مسائل اجتماعی و مردمی هم توجه دارد. به عبارت دیگر تعهد شعری نظامی در مخزن الاسرار تعهدی چندبعدی و فراگیر است و او تنها یک نصیحتگر ساده نیست ببل حکیمی فرزانه است و وظیفه‌شناس. وقوف بر اسرار معانی و استفاده از واژگان و ترکیبات تازه و خاص متناسب با معانی ارائه شده توسط نظامی یکی دیگر از جنبه‌های شعر مخزن الاسرار است. اگرچه نظامی به رعایت تلفیق لفظ و معنی توجه بسیار داشته ولی طرز سخن و شیوه بیان او در بخش مقالات پیچیده‌تر و ابهام‌آمیزتر از حکایتها و داستانهایی است که برای توضیح و تبیین مسائل مطروحه در مقالات دارد. خلاصه اینکه شعر نظامی در مخزن الاسرار شعر است مسئولانه با بار فلسفی و دینی و اندیشه‌های کلامی در قالب واژه‌ها و ترکیبات تازه با وزنی متناسب که گویندگان چندی را به نظیره‌گویی آن برانگیخته تا منظومه‌های زیبایی بر سرمایه زبان و ادب فارسی بیفزایند. اما قبل از اینکه از دیدگاه سخن‌سنجی به مثنوی مخزن الاسرار بنگریم لازم است و لسو باختصار به بیست مقاله کتاب پرداخته از نظر موضوع و محتوا، معرفی گونه‌ای

بکنیم. مقاله نخست درباره شرف و رتبت آدم است که می‌گوید:

بازپسین طفلِ پریزادگان      بیشترین بشریزادگان  
 آن به خلافت، علم آراسته      چون علم افتاده و برخاسته  
 «عَلَّمَ آدم» صفت پاک او      «خَمَّرَ طینه» شرف خاک او<sup>۱۳</sup>

که «عَلَّمَ آدم» اشاره به آیه عَلَّمَ آدمَ الاسماءَ کُلَّهَا (سوره بقره/آیه ۳۱) و «خَمَّرَ طینه» اشاره است به این حدیث قدسی: خَمَّرَت طینه آدم بیدی اربعین صباحاً.<sup>۱۴</sup> پس از ذکر این مقاله ((داستان پادشاه نوید و آمرزش یافتن او)) را جهت پروراندن مقاله «شرف و رتبت آدم» آورده و نتایج اخلاقی خوبی از طریق ذکر حکایات کوتاه همچون کیله و دمنه، مثنوی، منطق الطیر گرفته است. البته همان طور که گفته شد ارزش کلام نظامی فقط در نقل حکایتها و قصه‌های بلند و کوتاه نیست بلکه شاعر از روایات و داستانها به منزله ابزاری جهت تبیین اندیشه‌های والای خود استفاده می‌کند و انواع هنرهای کلامی را هم استادانه به کار می‌بندد تا نظمی شیوا و دلنشین به تلاشهای ذهنی خود بدهد. مقاله دوم «در عدل و نگهداری انصاف» است که سخن نظامی در این باره گویاتر از هر کلامی است. به عنوان نمونه چندبیتی را ذکر می‌کنیم:

راحت مردم طلب، آزار چیست؟      جز خجلی، حاصل این کار چیست؟  
 ملک ضعیفان، به کف آورده گیر      مال یتیمان، به ستم خورده گیر  
 روز قیامت که بود داوری      شرم نداری که چه عذر آوری؟  
 رسم ستم نیست جهان یافتن      ملک به انصاف توان یافتن  
 عدل، بشیریت، خردشاد کن      کارگری، مملکت آباد کن  
 مملکت از عدل شود پایدار      کار تو از عدل تو گیرد قرار<sup>۱۵</sup>

بعد از این مقاله «حکایت توشیروان با وزیر» را می‌آورد و از آن نتیجه پاس داشتن عدل و داد را می‌گیرد. پرسش و پاسخ بین شاه و وزیر، توصیف ده ویران، گفتگوی دو مرغ و... همه با زیبایی خاص و زبانی مناسب در سراسر داستان دنبال شده و نتیجه مطلوب هم بخوبی به دست آمده است. گویی شاعر از بیان این حکایت قصد



هشدار دادن به صاحبان زرزور زمان خود داشته است. مقاله سوم «در حوادث عالم» است که از دگرگونیها و تغییر احوال اوضاع جهان سخن سر می‌دهد و می‌گوید:

رنج مشو، راحت رنجور باش ساعتی از محتشمی دور باش  
صحبت گیتی که تمنا کند؟ با که وفا کرد، که با ما کند؟<sup>۱۶</sup>  
سپس «حکایت سلیمان با دهقان» را می‌آورد و نتیجه می‌گیرد که انسان تا توانایی دارد باید کوشش کند و اظهار خستگی نکند. دیگر اینکه امید به درگاه باری تعالی باید مورد نظر باشد نه صرف تلاش شخص.

مقاله چهارم «در رعایت از رعیت» نام دارد. نظامی‌گوید:

داد کن، از همت مردم بترس نیمشب از تیر تظلم بترس  
تیغ ستم دور کن از راهشان تا نخوری تیر سحرگاهشان  
هر که درین خانه شبی داد کرد خانه فردای خود آباد کرد<sup>۱۷</sup>  
و در پی آن «داستان پیرزن با سلطان سنجر» را نقل می‌کند که در ضمن آن لزوم رعایت حال مردم را بسیار دلنشین و شیوا بیان کرده است. «در وصف پیری» عنوان مقاله پنجم است که از تحلیل رفتن بنیه و نیروی بشری سخن می‌گوید و به آدمیان هشدار می‌دهد:

دولت اگر دولت جمشیدی است موی سپید، آیت نومیدی است  
موی سپید، از اجل آرد پیام پشت خم، از مرگ رساند سلام<sup>۱۸</sup>  
و در تبیین آن «داستان پیر خشت زن» را آورده و دو نتیجه از آن می‌گیرد: یکی اینکه پیر نباید جوانی کند، دیگر اینکه هر کس باید به اندازه توان خود کوشش کند و نان از عمل خویش خورد:

خویشتن از جمله پیران شمار کار جوانان به جوانان گذار  
دستکش کس نیم از بهر گنج دستکشی می‌خورم از دسترنج<sup>۱۹</sup>  
مقاله ششم «در اعتبارات موجودات» است و «داستان سگ و صیاد و روباه» که جهت پروراندن موضوع این گفتار آمده به انسان می‌آموزد که در هنگام گرفتاریها

دیگران را نکوهش مکنید زیرا هیچ چیز ارزش و اعتبار ندارد و روزی خواهد آمد که خود شخص گرفتار بلا و مصیبت می‌شود. از این روست که ارزشهای متعالی انسانی را این‌گونه یادآور می‌شود:

بنده دل‌باش، که سلطان شوی      خواجه عقل و ملک جان شوی  
 سرو شو، از بندگی آزاد باش      شمع شو، از خوردن خود شاد باش<sup>۲۰</sup>  
 «فضیلت آدمی بر حیوانات» عنوان مقاله هفتم است. ابیاتی چند از کتاب، ما را از توضیح بی‌نیاز می‌کند:

چون تو همایی شرف‌کار باش      کم‌خور و کم‌گوی و کم‌آزار باش  
 هر که درین پرده‌نشانش هست      در خورتن قیمت جانیش هست  
 سر ز هوا تافتن از سروری یست      ترک هوا قوت پیغمبری یست<sup>۲۱</sup>  
 «داستان فریدون و آهو» هم این نتیجه را می‌دهد که اگر انسان از عنایت بزرگان برخوردار شود از گزند حوادث مصون می‌ماند و به درجات عالی می‌رسد. مقاله هشتم «در بیان آفرینش» است و به دنبال آن «داستان میوه‌فروش و روباه» که با یکدیگر ارتباطی ندارند. مقاله نهم «در ترک مثنویات دنیوی» و «داستان زاهد توبه‌شکن» است. نتیجه‌ای که نظامی از این داستان می‌گیرد این است که آدمی در کارهای خود آزاد است و با عقل و خردی که دارد می‌تواند خوبی را از بدی و خیر را از شر تشخیص دهد و اینکه نباید به نکوهش قضا و چرخ، زبان باز کرد و نیز:

عذر ز خود دار و قبول از خدای      جمله ز تسلیم قدر در میای<sup>۲۲</sup>  
 مقاله دهم «در نمودار آخر الزمان» است و در پی آن «داستان عیسی». در اینجا قلم نظامی بیانگر داستانی عبرت‌آموز و دلنشین است اما نتیجه حکایت با موضوع مقاله سازگاری ندارد. نکته اخلاقی پوشیده در حکایت این است که مردم نباید به عیب دیگران چشم داشته باشند بلکه پیوسته باید به خوبی و هنر انسانها توجه کنند. مقاله یازدهم در «بیوفایی دنیا» است. نظامی می‌گوید:

خیز و بساط فلکی درنورد      زانکه وفا نیست درین تخته نرد  
 نقش مراد از در وصلش مجوی      خصلت انصاف ز خصلش مجوی

کنج امان نیست درین خاکدان مغز و فانیست درین استخوان  
منزل فانیست قسارش مبین باد خزان نیست بهارش مبین<sup>۲۳</sup>  
سپس «داستان مؤید صاحب نظر» را می آورد و این طور نتیجه می گیرد که جز  
حق تعالی همه چیز فانی است. «در وداع منزل خاک»، عنوان دوازدهمین مقاله  
مثنوی مخزن الاسرار است که حکیم گنجه بدین گونه آغاز سخن می کند:

خیز و وداعی بکن ایام را از پس دامن فکن این دام را  
مملکتی بهتر ازین ساز کن خوشتر ازین حجره دری باز کن<sup>۲۴</sup>  
پس از آن «داستان دو حکیم متنازع» را جهت تحلیل و پروراندن موضوع مقاله  
مورد بحث آورده، نتیجه می گیرد که انسان هیچگاه نباید زمام اختیار خود را به دست  
توهم سپارد:

چونکه به دنیا است تمنا تورا دین به نظامی ده و دنیا تورا<sup>۲۵</sup>  
مقاله سیزدهم در «نکوهش جهان» است و بعد از آن «داستان حاجی و صوفی»  
آمده. در بخش نخست نظامی گوید:

گرچه فروزنده و زببنده است خاک برو کن که فریبنده است  
کیست که این دزد کلاهش نبرد و آفت این غول زراهش نبرد<sup>۲۶</sup>  
ضمناً نتیجه ای که از «داستان حاجی و صوفی» می گیرد این است که ای انسان بر  
دنیا اعتماد مکن زیرا:

هیچ دل از حرص و حسد پاک نیست معتمدی بر سر این خاک نیست  
این سره نقدی یست به شیطان مده پاره فغفور به سگبان مده<sup>۲۷</sup>  
مقاله چهاردهم «در نکوهش غفلت» است. شاعر در این باره گوید:

بر سر کار آی، چرا خفته ای؟ کار چنان کن که پذیرفته ای  
مست چه خسبی که کمین کرده اند کارشناسان نه چنین کرده اند<sup>۲۸</sup>

سپس «داستان پادشاه ظالم با مرد راستگویی» را می آورد و راه و رسم راستی و  
درستی را به آدمی می آموزد و یاد آور می شود که هیچ کس از راه راست منحرف  
نمی شود زیرا:

از کجی افتی به کم و کاستی از همه غم‌رستی اگر راستی<sup>۲۹</sup>  
مقاله پانزدهم رانظامی «در نکوهش رشکبران» آورده ولی عنوان مقاله با ابیات  
ذکر شده چندان تناسبی ندارد ولی داستانی که در ارتباط با موضوع گفتار به نام  
«داستان ملکزاده جوان با دشمن پیر» آمده با مسئله رشک مناسبت دارد. نتیجه  
داستان را می‌توان چنین خلاصه کرد که سر دشمن را با سنگ تدبیر بکوب و فرصت  
انتقام به او مده. مقاله شانزدهم «در چابک روی» و «داستان کودک مجروح»  
است که چندان تناسبی بین عنوان گفتار با موضوع مقاله نیست. نظامی گوید:

شیر شو از گریه مطبخ مترس    طلق شو از آتش دوزخ مترس  
چند غرور، ای دغل خاکدان    چند منی؛ ای دوسه من استخوان<sup>۳۰</sup>  
نتیجه حکایت هم درس دوراندیشی می‌دهد. در مقاله هفدهم سخنسرای گنجبه  
دامنه سخن را به «پرستش و تجرید» کشانده و «داستان پیر و مرید» را در تحلیل  
روشنگری مطلب آورده است و آنچه که شاعر قصد تعلیم آن را دارد این است که  
می‌باید مرید، بدون چون و چرا تسلیم پیر شود و در کارها هم قوی اراده و پابرجا  
باشد. هجدهمین مقاله «در نکوهش دورویان» و ادامه آن «داستان جمشید با  
خاصگی» است. سخن نظامی در این گفتار با مردمان دوروی و سخن چین است و  
مذمت آنان، ولی در «داستان جمشید» از مردی موافق و وفادار و رازنگهدار داد  
سخن می‌دهد و می‌گوید:

سر طلبی تیغ‌زیانی مکن    روزنه‌ای، رازفشانی مکن  
مرد فرو بسته زبان خوش بود    آن سنگ دیوانه زبانکش بود  
مصلحت توست زبان زیر کام    تیغ پسندیده بود در نیام<sup>۳۱</sup>  
مقاله نوزدهم «در استقبال آخرت» عنوان گرفته و سخن آفرین بزرگ سده ششم در  
تبیین و توضیح آن «داستان هارون الرشید با حلاق» را آورده و گوید:

دشمن جانمست نور روزگار    خویشتن از دوستیش واگذار<sup>۳۲</sup>  
داستان هارون الرشید با موضوع مقاله مناسبتی ندارد ولی نتیجه‌ای که داستان به ما  
می‌دهد این است که مال و ثروت به آدمی قوت و نیرو می‌دهد و انسان را شجاع و

خردمند و زبان آور می‌کند.

«در وقاحت ابنای عصر» عنوان آخرین مقاله است و «داستان بلبل با باز» پیامد آن. نظامی با زبانی گویا از حاسدان زمان خود شکوه می‌کند و ناراحتی و رنج خود را چنین ابراز می‌کند:

گر هنری سرز میان برزند بی‌هنری دست بدان درزند  
کار هنرمند به جان آورند تا هنرش را به زبان آورند  
گر نفسی مرهم راحت بود بر دل این قوم جراح است بود<sup>۳۳</sup>

با توجه به مطالب بیست مقاله مثنوی مخزن الاسرار که به اجمال آورده شد این طور به نظر می‌رسد که نظامی در سرودن منظومه مخزن الاسرار به مثنویهای سنایی بویژه حدیقة الحقیقه نظر داشته و از آنها الهام گرفته است. البته تأثیر اندیشمندان و سرایندهگان دیگر را هم می‌توان در کلام نظامی از جمله مخزن الاسرار بر روشنی یافت. به عنوان نمونه از غزالی و کتاب کیمیای سعادت او باید نام برد که در تشکیل جهان بینی نظامی در مخزن الاسرار به صورت خیلی آشکار و روشن اثر گذاشته است.<sup>۳۴</sup>

مخزن الاسرار از دیدگاههای گوناگون می‌تواند مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد که به طور اختصار به مواردی از آنها اشاره خواهد شد: یکی از آن موارد توجه به مسئله شعر و شاعری است و رسالتی که از شاعر و شعر او انتظار می‌رود. او شاعری را همشأن پیامبری می‌داند و تعهد و وظیفه آن را خدمت به خلق و رساننده پیام می‌شناسد و همچون ناصر خسرو از ریختن مرواریدهای لفظ دری در پای خوکان امتناع دارد. نکته دیگر در شعر نظامی نوآوری در جنبه‌های مختلف است. زیرا وی تقلید را به انحاء گوناگون مردود می‌شمارد و تخطئه می‌کند. شعر در نظر وی نفحه روحانی و زاییده شده از اعماق روح بشری است. شاید بتوان این تعبیر زیبای دکتر اسلامی ندوشن را که درباره شعر ناصر خسرو به کار می‌برد، و آن را پیوند فکر و شرع یا عبارتی قریب بدین مضمون می‌نامد، درباره شعر نظامی هم تا حدودی صادق دانست زیرا می‌گوید:

تا نکند شرع تو را نامدار نامزد شعر مشوزینهار  
 شعر تو را سدره نشانی دهد سلطنت ملک معانی دهد  
 شعر تو از شرع بدانجا رسد کز کمرت سایه به جوار رسد  
 شعر بر ارد به امیریت نام کال شعراء امراء الکلام<sup>۳۵</sup>

نظامی معتقد است که شاعر باید دلی روشن داشته و دارای پاکی و راستی باشد، و از درونی ژرف و عمیق برخوردار باشد زیرا به تعبیر خود شاعر آنان ببلان عرش و در کشته گنج دو عالم هستند. این گونه اشعار است که با اندیشه و دل و جان شاعر پیوندی ژرف دارد. همچنین یادآوری می شود که شاعر باید سخت پسند باشد و هر چه را که زود به ذهنش می آید نپذیرد بلکه آن را کاملاً بسنجد در صورتی که آن سخن اندیشیده و موزون و برخاسته از روح متعالی و ذوق سرشار و متعهد به عقیده و جامعه بود و هنرمندانه و به دور از هر گونه تقلید بود آن را بپذیرد و ارج نهد.

اگرچه نظامی این اثر را در چند شب سروده و گفته است:

آنچه درین حجله خرگاه هست جلوه گری چند سحرگاه هست<sup>۳۶</sup>

با وجود این تمام توان ذهنی و نیروی خلاقیت خویش را در سرایش این منظومه به کار گرفته و از انواع زیورهای لفظی و معنوی هم در آراستن آن بهره جسته است. استفاده از علوم و دانشهای متداول زمان همچون فلسفه، کلام و عرفان در سراسر منظومه به چشم می خورد. بند و اندرز، اخلاق و دین نیز از مقولات مندرج در گنجینه اسرار منظومه ای از پنج گنج است. شاید بتوان گفت یکی از ابعاد اندیشه نظامی در مخزن الاسرار اصل بدینی نسبت به جهان مادی است زیرا زندگی را رنج و عذاب و خون دل خوردن می داند و تصریح می کند:

ما ز پی رنج پدید آمدیم نزهت گفت و شنید آمدیم<sup>۳۷</sup>

گرچه نظامی را شاعری بلند همت، اخلاقی، با عفت کلام و متعهد می دانند اما گاهی در اشعار او به نکاتی بر می خوریم که از قدر و منزلت شاعر می کاهد و لحن سخنش او را تا پایه شاعران متملق و چاپلوس درباری پایین می آورد. ابیات زیر از مخزن الاسرار شاهد این مدعا است:

با فلک آن شب که نشینی به خوان پیش من افکن قدری استخوان  
 کاخر لاف سگیت می‌زنم دبیده بندگیت می‌زنم  
 از ملکانی که وفا دیده‌ام بستن خود بر تو پسندیده‌ام<sup>۳۸</sup>

دیگر از ویژگیهای نظامی در مخزن الاسرار ایجاد مضامین تازه است. شاید از این لحاظ نظامی را بتوان یکی از پیشگامان سبک هندی به حساب آورد مانند این بیت:

صبح بدان می‌دهدت طشت زر تا توز خود دست بشویی مگر<sup>۳۹</sup>

تصویرپردازی در خمسه نظامی در تاریخ ادب فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در مخزن الاسرار هم به نمونه‌های فراوانی برمی‌خوریم که بیم درازی سخن، ما را از آوردن آنها مانع می‌شود فقط شاهد سخن را نمونه‌ای کفایت می‌کند:

خنده به غمخوارگی لب کشاند زهره به خنیاگری شب نشانند<sup>۴۰</sup>

ساختن کلمه‌های تازه و ترکیبات نو یکی از دیگر ویژگیهای مخزن الاسرار است که گاهی هم موجب پیچیدگی و دشواری فهم اشعار می‌شود. «یک نکته بسیار جالب توجه در مورد کلمات مرکب نظامی در مخزن الاسرار، که بیانگر قدرت شگرف در واژه‌سازی است، عدم تکرار ترکیبات تازه است. در مخزن الاسرار حدود بیش از (۴۵۰) کلمه مرکب جدید وجود دارد. از میان این تعداد کلمه در منظومه‌ای بالغ بر ۲۲۵۰ بیت، تقریباً ۹۸ درصد غیر تکراری است. حدود (۱۵) کلمه آن هم هر کدام فقط یکبار تکرار نشده است.<sup>۴۱</sup> بحث ترکیب‌سازی نظامی از چنان شهرتی برخوردار است که به نظر برخی از سخن‌سنجان گوی سبقت را از همگان ربوده است اگرچه گاهی کاستیهایی در نوع ترکیبات بر ساخته و ابتکاری وی دیده می‌شود اما کثرت ابداعات تازه او تا حدودی جبران این نقیصه را می‌کند. ذکر دو نمونه گواهی است بر هنر شاعر ترکیب‌ساز گنجه:

خون دل خاک ز بحر ان باد در جگر لعل جگر گون نهاد<sup>۴۲</sup>  
 میوه دل را که به جانی دهند کی بود آبی چوبه نانی دهند<sup>۴۳</sup>

خصوصیات زبانی و دستوری مخزن الاسرار خود بحث مفصلی را می‌طلبد که فعلاً جای آن نیست. همین اندازه باید اشاره شود که نظامی با اینکه از سرزمین اصلی

زبان دری دور بوده و نارساییها و کاستیهای در بیان و ساخت دستوری کلام او دیده می‌شود باز هم زبانش استوار و متین است. در استعمال لغات عربی هم رعایت اعتدال را کرده و با بهره‌گیری از آیات و احادیث یا مضامین آنها جلوه‌ای خاص به بیان خود داده است. شباهتهای شعر نظامی در مقایسه با مختصات سبک هندی از جمله استفاده از مثل و ارسال‌المثل، مضامین و ترکیبات تازه، تشبیهات و استعارات دور از ذهن، دشواری دریافت معانی و موارد دیگر سبب می‌شود تا نظامی را یکی از راهگشایان سبک هندی به‌شمار آوریم. نکته دیگری که در مخزن‌الاسرار در خور توجه است و بسیار مشهود، استفاده نظامی از ضرب‌المثل است که به خوبی از عهده این کار برآمده و سخنان خود را ضمن دادن پند و اندرز و اندیشه‌های حکیمانه در قالب جملات کوتاه و تقریباً رسا بیان کرده است. جنبه دیگری شعر مخزن‌الاسرار بعد انتقادی - اجتماعی آنست زیرا همان‌طور که گفته شد نظامی مبلغ شعر ملتزم است و شعر را فقط در خدمت دین و جامعه می‌پذیرد، بنابراین طبیعی است که در عین شاعر بزمی بودن و وظیفه خود را هم فراموش نکند و هر جا که مسئله‌ای برخلاف مصالح مردم و جامعه دید فریاد اعتراض سر دهد. مثلاً در ابیات زیر نیش انتقادش را متوجه نفاق و دورویی مردم زمان خود کرده و می‌گوید:

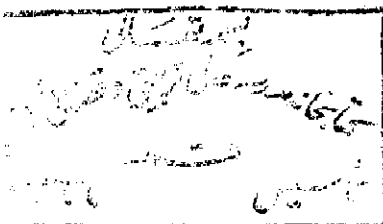
دود شوند ارب به دماغی رسند      باد شوند ارب به چراغی رسند  
 حال جهان بین که سرانش که‌اند      نامزد و نامورانیش که‌اند  
 این دو سه بدنام کن عهد خویش      می‌شکنند همه چون عهد خویش  
 من به صفت چون مه گردون شوم      نشکنم اربشکنم افزون شوم<sup>۲۲</sup>

سخن درباره مخزن‌الاسرار به این مقدار کفایت نمی‌کند زیرا هنوز مسائل گفتنی بسیار باقی مانده که هر یک از آن موارد می‌باید در مقالاتی جداگانه آورده شود، که در حد توان به برخی از آنها، از جمله مقلدان مخزن‌الاسرار و شروع آن در کتابشناسی نظامی پرداخته‌ام و به موضوعات دیگر ان‌شاء‌الله در فرصتهای دیگر خواهم پرداخت. والسلام.



**\*\* پی نوشتها:**

۱. الیاس بن یوسف نظامی، مخزن الاسرار، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، ج ۳، (تهران، علمی، ۱۳۴۳) صص ۳۹-۴۰.
۲. علی اکبر شهابی، نظامی شاعر داستانرا، (تهران، ابن سینا، ۱۳۳۴ تاریخ مقدمه)، ص ۱۰۴.
۳. مخزن الاسرار، ص ۲.
۴. همان کتاب، ص ۷.
۵. همان کتاب، ص ۱۰.
۶. همان کتاب، ص ۲۰-۳۰.
۷. همان کتاب، ص ۳۵.
۸. همان کتاب، ص ۳۸-۴۱.
۹. همان کتاب، ص ۴۰.
۱۰. گزیده مخزن الاسرار، به کوشش عبدالمحمد آیتی، ج ۲، (تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰)، ص پنج.
۱۱. همان کتاب، ص ۷۰-۷۱.
۱۲. مخزن الاسرار، ص ۱۲۷.
۱۳. گزیده مخزن الاسرار، ص ۵۱.
۱۴. همان کتاب، ص ۵۸.
۱۵. همان کتاب، ص ۶۶-۶۷.
۱۶. همان کتاب، ص ۸۱.
۱۷. همان کتاب، ص ۹۴.
۱۸. همان کتاب، ص ۱۰۴.
۱۹. همان کتاب، ص ۱۰۶.
۲۰. همان کتاب، ص ۱۱۲.
۲۱. همان کتاب، ص ۱۲۵-۱۲۶.
۲۲. همان کتاب، ص ۱۵۳.
۲۳. مخزن الاسرار، ص ۱۲۷-۱۳۰؛ گزیده مخزن الاسرار، ص ۱۷۷-۱۷۸.
۲۴. همان کتاب، ص ۱۳۲؛ همان کتاب، ص ۱۸۵.



۲۵. مخزن الاسرار، ص ۱۳۷؛ گزیده مخزن الاسرار، ص ۱۸۸.
۲۶. همان کتاب، ص ۱۴۰؛ همان کتاب، ص ۱۹۴.
۲۷. همان کتاب، ص ۱۴۲؛ همان کتاب، ص ۱۹۶-۱۹۷.
۲۸. همان کتاب، ص ۱۴۳؛ همان کتاب، ص ۲۰۵.
۲۹. همان کتاب، ص ۱۵۳؛ همان کتاب، ص ۲۲۷.
۳۰. همان کتاب، ص ۱۶۵؛ همان کتاب، ص ۲۴۸.
۳۱. همان کتاب، ص ۱۶۷؛ همان کتاب، ص ۲۵۵.
۳۲. همان کتاب، ص ۱۷۵؛ همان کتاب، ص ۲۶۸.
۳۳. محمندی مسیح آقا، «مقایسه مخزن الاسرار با کیمیای سعادت»، خلاصه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی، (دانشگاه تبریز، ۱۳۷۰)، ص ۱۱۰ (نقل به مضمون).
۳۴. مخزن الاسرار، ص ۴۳.
۳۵. همان کتاب، ص ۱۷۹.
۳۶. همان کتاب، ص ۱۱۹.
۳۷. همان کتاب، ص ۳۶-۳۷.
۳۸. همان کتاب، ص ۱۴۵.
۳۹. همان کتاب، ص ۶.
۴۰. خلاصه مقالات کنگره بین المللی...، ص ۱۴۶-۱۴۷.
۴۱. مخزن الاسرار، ص ۵.
۴۲. همان کتاب، ص ۴۲.
۴۳. نظامی شاعر داستان سرا، ص ۱۲۴.

